

# کیها یک دهه جرم و جنایت و چور و چپاول را

## به ملت روا داشته اند؟؟؟

پژوهش و محقق: (صبح)

روزی پادشاهی سالخورده که پسرانش را در جنگ با دشمنان از دست داده بود، تصمیم گرفت برای خود جانشینی انتخاب کند. پادشاه تمام جوانان شهر را جمع کرد و به هر کدام دانه ی گیاهی داد و از آنها خواست، دانه را در یک گلدان بکارند تا دانه رشد کند و گیاه رشد کرده را در روز معینی نزد او بیاورند. احمد یکی از آن جوان ها بود و تصمیم داشت تمام تلاش خود را برای پادشاه شدن بکار گیرد، بنا بر این با تمام جدیت تلاش کرد تا دانه را پرورش دهد ولی موفق نشد. به این فکر افتاد که دانه را در آب و هوای دیگری پرورش دهد، به همین دلیل به کوهستان رفت و خاک آنجا را هم آزمایش کرد ولی موفق نشد. احمد حتی با دهقانان مناطق اطراف مشورت کرد ولی همه این کارها بی فایده بود و نتوانست گیاه را پرورش دهد. بالاخره روز موعود فرا رسید. همه جوان ها در قصر پادشاه جمع شده و گیاه کوچک خود را در گلدان برای پادشاه آورده بودند. پادشاه به همه گلدان ها نگاه کرد. وقتی نوبت به احمد رسید، پادشاه از او پرسید: پس گیاه تو کو؟ احمد ماجرا را برای پادشاه تعریف کرد . . . در این هنگام پادشاه دست احمد را بالا برد و او را جانشین خود اعلام کرد! همه جوانان به این انتخاب پادشاه اعتراض کردند. پادشاه روی تخت نشست و گفت: این جوان درستکار ترین جوان شهر است. من قبلاً همه دانه ها را در آب جوشانده بودم، بنا بر این هیچ یک از دانه ها نمی بایست رشد می کردند. پادشاه ادامه داد: مردم به پادشاهی نیاز دارند که در عین راستگویی و درستکاری با آنها صادق باشد، نه آن پادشاهی که برای رسیدن به قدرت و حفظ آن دست به هر عمل ریاکارانه ای بزند.



از سرگذشت وطن دل به درد می آید  
از کلبه مستمندان آهی سرد می آید  
تو مرد باش و میندیش از گرانی درد  
همیشه درد به سر وقت مرد می آید .

جنایتکاران آدمکش در زورآباد ما تحت نام اداره و حکومت اسلامی، مردم را تار و مار و کشور را غار غار نموده اند، گاهی بنام عدالت، گاهی بنام امنیت، گاهی بنام دین و گاهی بنام جهاد و زمانی بنام مقاومت! آنها که تمام دنیا را از دریچه تنگ چشمان خود می بینند، آنها که خود را و تفکر(!) خود را بر حق می دانند و دیگران را باطل و آنها که می خواهند بر مردم سیادت کنند بر اریکه قدرت لمپده اند و از راه ها و شیوه های مختلف زراندوزی و زورگویی دارند.

فساد اداری در کشور از قبیل رشوت، خویش خوری سبوتاژ به اوج خویش رسیده است. نظام اداری ما میراث بجا مانده از زمان چور و چپاول کشور وسیله مفتخوران تفنگدار و سنت های واپس گرایی بوده که انحصار، استبداد، نژاد سالاری و خویشخوری جزو شاخصه های انفکاک ناپذیر آن به شمار می آید. تا این نظام مبتنی بر چنین فرهنگ و تعاملات حاکم بر جامعه باشد، امید اصلاح آن خوش خیالیی بیش نخواهد بود. وقتی نظام کنونی ما از درون و از تنه پوسیده و از کار افتاده است، اصلاح شاخ و برگهای آن چگونه می تواند امید آفرین باشد؟ تجربه سال های گذشته در مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و فساد و ارتشا به خوبی و روشنی ادعای فوق را به اثبات می رساند، هر پروسه ملی در آغاز با شور و شوق، هیاهو و تبلیغات به راه انداخته می شود؛ اما پس از چندی با بن بست مطلق می رسد که حتی مسئولین آن از انکار و توجیه آن عاجز می مانند. مبارزه با فساد اداری نیز از چند سال بدین سو مورد توجه

مقامات دولتی قرار گرفته و در شرایط فعلی یکی از اولویت های کاری دولت به شمار می رود؛ اما این مبارزه هیچ موفقیتی به همراه نداشته است.

مثلث شوم و گریبانگیر نا امنی، مواد مخدر و فساد اداری کشور را در لبه پرتگاه قرار داده است، چنانکه مردم آهسته آهسته به این باور می رسند که نظام مستبد طالبانی و انارشیزم تنظیمی را بر اوضاع کنونی ارجحیت دهند. حقیقت این است که هزاران تن از مردم از قریه جات، ولسوالیها و حتا شهرها برای پیدا کردن لقمه ی نان ترک خانه و کاشانه می کنند، کمتر نیروی جوان را در اطراف می توان یافت که هنوز باقی مانده باشند و پیدا کردن نان شب، به دغدغه اصلی مردم تبدیل شده است.

اکثر جنگسالاران سه دهه اخیر که صدها هزار افغان را به کام مرگ فرستاده اند، هنوز شانه به شانه رییس جمهور ظاهر می شوند و آنگونه که سازمانهای تحقیقی آمریکا اعلام کرده، این جنگسالاران یکجا با "طالبان" و رهبران قبیله ای بیش از هفتاد درصد قلمروی افغانستان را در اختیار خویش دارند. حاکمیت قانون هم فقط در شکل چیزی بیش نیست. دو هزار هموطن غیرنظامی هم تنها در یک سال گذشته قربانی ناامنی شدند، تنها دوصدوپنجاه خانواده را گلوله های نیروهای صلحبان خارجی که برای تامین امنیت ما آمده اند، به خون نشاند.

از جانب دیگر - نان نان نان - خواستن صدایی است که در این روزها از قلب میلیون ها هموطن از گوشه گوشه این مملکت ویران به گوش فلک می رسد اما دولت و حکومت بر تپه ای از لاف و گزاف آرمیده اند و میلیون ها نفر در دریای گرسنه گی دست و پا می زنند. مردم در زنجیر هزاران مشکل خرد و خمیر می شوند، از یک سو امنیت نیست، از سوی دیگر نیز هزاران مشکلاتی که از انگشت پا تا فرق سر مردم را در خود پیچانده است. اکنون در شرایطی که تمام مردم از بی کاری می نالند و راه هجرت و پناه جویی پیش می گیرند و یا با هزاران زخم زبان و زخم قنناق دوباره از مرزها مثل یتیمان کره زمین که هیچ زمینی برای آنها نمی تواند زمین مادری باشد برمی گردند، قیمت مواد غذایی به حدی رسیده است که در این روزها خط مرگ و حیات را برای مردم می کشد.

در شرایطی که قیمت هر قرص نان شش افغانی بود اکثر مردم از عهده خرید آن بر نمی آمدند اما اکنون که به بیست افغانی رسیده است مگر خود کرزی و وزرایش از عهده اش برآید، مردم غریب کار که نمی توانند. یک نماینده مردم بدخشان در پارلمان از مواجه بودن مردم بسیاری از مناطق این با فقر و گرسنگی شدید خبر داد. وی برخی خبرها مبنی بر استفاده مردم از گیاهای کوهی به علت نبود مواد غذایی و فقر شدید را تأیید کرد و گفت: مردم با کمبود شدید مواد غذایی مواجه هستند و توان خرید را نیز به علت افزایش قیمت ها از دست داده اند.

بدخشان از جمله ولایات کوهستانی و سردسیر و دارای زمین های زراعتی اندک است که مردم آن همواره با فقر دست و پنجه نرم می کنند اما در سال های اخیر به دلیل خشک سالی ها، سیلاب های بهاری و نیز سرمای شدید زمستان مشکلات آنان بیشتر شده است.

زنان و کودکان که بخش اصلی و اساسی جامعه را تشکیل می دهند، هنوز قربانیان اصلی جنگ هستند و ناامنی، مرگ و میر، نارضایتی از ازدواج، آفت مواد مخدر، به وضعیت صحت نامناسب و رسوم و سنت های غلط جامعه از جمله مشکلات عمده آن هاست. وخیم بودن وضعیت امنیت زنان و عملکردهای توهین آمیز و تهدید کردن زنان و عدم همکاری مسوولان امنیتی از جمله نگرانی های زنان به شمار می رود، طبق آمارهای نهادهای بین المللی خشونت علیه زنان شصت درصد افزایش یافته است.

میزان مرگ و میر مادران سالانه در برخی ولایات به پنج هزار نفر رسیده است. بر اساس اظهارات مسوولین وزارت صحت عامه بیشترین آمار مرگ و میر زنان و مادران مربوط به زمان حاملگی و تولد است. بر اساس این گزارش بیشتر خانواده ها در افغانستان بیش از پنج فرزند دارند که این نیز به نوبه خود زنان را ضعیف می کند. تعصبات بی جا و زد و خوردهایی که از سوی مردان به زنان وارد می شود نیز از جمله مشکلاتی است که زنان با آن ها مواجه هستند. طبق گزارش های سازمان بین المللی دفاع از حقوق زنان موسوم به جنس زن در جهان، تضمین های داده شده به زنان در پی سقوط "طالبان" هنوز عملی نشده است.

در حال حاضر میلیون ها زن و دختر با تبعیض مستمر و خشونت در محیط خانه و جامعه دست به گریبان هستند و برای رفع این مشکلات اقدامی جدی صورت نمی گیرد. با وجود اینکه زنان از برخی امتیازات قانونی، مدنی و حقوقی از جمله حق رای برخوردار شده اند اما هنوز هم چالش های جدی در زمینه تحقق حقوق زنان باقی مانده است و در بخش آموزش نیز اکثر بی سوادان را زنان تشکیل می دهند. بخش قابل توجهی از مشکلات زنان را ازدواج های اجباری تشکیل می دهد که حدود شصت تا هشتاد درصد از ازدواج ها را شامل می شود و به این علت خودسوزی های زنان نیز در طی ماه های اخیر افزایش یافته است.

در گزارش حقوق بشر آمده است: هفتادوپنج درصد از دختران قبل از رسیدن به شانزده سالگی و سن قانونی ازدواج، به خانه شوهر فرستاده می شوند که از این میان پنجاه و هفت درصد زنان از ازدواج خود ناراضی هستند. طبق آمارهای رسمی اعلام شده شمار زنان بیوه و بی سرپرست بیش از یک و نیم میلیون نفر می باشند که از این میان نود درصد زنان بی سرپرست دارای فرزند هستند. با در نظر داشت اینکه اکنون نود و سه درصد تریاک غیرقانونی جهان در افغانستان تولید می شود، زنان از جمله قربانیان مستقیم

آفت مواد مخدر هستند طوری که یک میلیون معتاد مواد مخدر زن درکشور وجود دارد. در افغانستان مواد مخدر و تروریسم دو پدیده مرتبط به هم تلقی می‌شوند که می‌توانند ثبات و امنیت در کشور را به چالش بکشند و در این میان زنان و کودکان نیز قربانی می‌شوند

گویی این مردم ستم دیده باید همیشه باکشتن، بستن، بردن و نابود شدن زندگی نمایند. با رفتن "طالبان" فقط چهره عوض شد. برنامه کار روزانه، سیاست های محلی، اندیشه بنیاد گرایی، جنگ و تفنگ، بردن و کشتن، قنذاق کاری، به زندان انداختن همان بود که در زمان "طالبان" جریان داشت، ولی با دو تفاوت: یکی اینکه این زندانی ساختن و بردن و تسلیم دادن بی گناهان به خارجیان و در زندان های بیگانه ها صورت گرفت و دوم تغیر دستار به پکول و کلاه پوست و چین بود. آمریکاییان با سیاست های دود منشانه خویش باز هم همان دزدان نوکرسفت که با دو پاسپورت افغانی و آمریکایی و پوست و چین و پکول پوشان فراری که شهر را به ویرانه و کابل را به غمخانه تبدیل نموده بودند بلای جان مردم گردانید.

جاه طلبی رهبران فسادپیشه تنها اهرم مصیبت بار بود که استعمار می توانست درین راه از آن بهره برداری نماید. خیانت و خودخواهی اینها کشور را بصورت سرزمین ملک الطوایفی درآورده و در هرگوشه فرمانده؛ گروه؛ سردسته و گردنکشی برای خویش پوسته و پاتک و زندان و کشتارگاه ساخته از این طریق قدرت و حاکمیت خود را به نمایش گذاشتند. تقریباً همه معتقد شده اند که کرزی در طی هفت سال حکومت دیگر فرصت چندانی برای جلب اعتماد عمومی ندارد. کابل پایتخت کشور که در آن نیروهای پرشمار داخلی و خارجی تامین کننده امنیت، وجود دارند نیز از گزند نا امنی ها، مصئون نمانده و بطور پراکنده اما هشدار دهنده ای، مورد حملات انتحاری و فیر راکت قرار می گیرند. اگرچه تا کنون، ارگان های دولتی تامین کننده امنیت، شامل وزارت دفاع، داخله و امنیت ملی، تشدید حملات انتحاری و تخریبی از سوی مخالفین را، نشانهء تضعیف و اضمحلال آنان دانسته و مدعی اند که آنان به دلیل عدم برابری در مواجهه مستقیم با دولت، دست به این کار ها می زنند.

درگیری و بی نظمی ها نشان می دهد که امنیت، روز به روز خراب تر شده می رود. بدیهی است که اگر دولت به حل این مشکل اساسی فایق آمده نتواند، در تطبیق پروسه های بازسازی و نوسازی، به کامیابی نخواهد رسید. در کشوری که تمام زیر ساخت های اجتماعی و اقتصادی آن، در دوران جنگ سی ساله تخریب شده و مردم این کشور، برای قادر شدن به گذران زندگی آبرومندانء خویش، نیاز شدید به کار در راستای باز سازی دارند؛ امنیت و سرزنش سران روزگزاران دولت ضرورت شماره اول به حساب می آید. در صورتیکه این مشکلات بطور عاجل مرفوع نگردد بسیار مشکل خواهد بود تا حرکت

های لازم دیگر، در عرصه های باز سازی و احیای مجدد و قادر ساختن مردم به پیداواری ضروری، صورت بگیرد.

با توجه به استقرار شمار قابل ملاحظه ای از نیروهای مسلح خارجی، در چوکات نیروهای قوای ائتلاف، آیساف و شروع حرکت های کمک به امنیت از سوی دولت، در قالب تشکیل و تجهیز اردو و پولیس ملی، از یک سو و تطبیق پروسه دی دی آر و دایاگ از سوی دیگر، این سوال پیش می آید که چرا با این همه امکانات، نمی توانند، در تامین امنیت، مؤثر واقع گردند؟ تخریب اوضاع امنیتی درکشور، سبب شده است تا کرسی، نتواند در برابر اوضاع نابسامان امنیتی، واکنش نشان ندهد. این واکنشها هیچ دردی را نمیتواند دوا کند زیرا این کلمات و جملات برای فریب مردم بیان میشود و یا به قول معروف بازی باکلمات است.

پرسشی که همچنان طنین انداز هر انسان مترقی است اینست که، چه نیرو و جریان سیاسی میتواند افغانستان را بسوی یک جامعه پیشرفته رهبری کند؟ "طالبان" و یا جنگ سالارانی که رهبری تولید و صدور مواد مخدر از افغانستان را رهبری می کنند؟، روال سیاسی و نظامی در کشور بسوی یک هرج و مرجی تازه راه می برد. مردم درد دیده و رنج کشیده که در اثر جنگ های قدرت طلبی زورگویان و جنایت پیشه گان قدرت پرست، فاسدین جیاولگر و مافیای موادمخدر، همه هست و بود خود را از دست داده اند، اکنون در غم پیدا کردن یک لقمه نان برای خود و فامیل خود در هزار مصیبت و آلام بسر می برند. اما در عوض آن این جنایت کاران بساط جشن و پایکوبی را بر پا داشته اند. چرا رییس دولت بخاطر اشک و آهی مردم بی گناه و بی دفاع کشور پروسه خلع سلاح را شدت و به حاکمیت ننگین تفنگداران پایان نمیدهد؟؟؟. کرسی مطمئن باشد که تداوم حاکمیت جنگ سالاران ختم دولت وی خواهد بود. تعدد و تداوم اختطاف ها، سرقت ها، قتلها، انفجارات و انواع بی امنی ها در کشور واقعیت تلخی است که از سیبده دم دولت موقت آغاز شده، در دولت انتقالی تشدید و در دولت انتخابی به اوج خود رسیده است.

توسعه روزافزون ناامنی درکشور، باعث نگرانی مردم شده آنان را از روزنه های امید به آینده دورمی کند. درگیری های متفرقه درولایات مختلف، غارت و چپاول شبانه خانه های مردم، زور گویی احزاب به اصطلاح جهادی، بی احترامی به افراد روشنفکر و آزاد اندیش و ده ها مورد دیگر، از جمله مسایلی است که برای یکباردیگر امید رسیدن به صلح و آرامش در کشور را به نقاط کورومبهم گذشته می برد. این موضوع از يك جهت مردم را وادرا به مهاجرت های داخلی وخارجی کرده و از سوی دیگر باعث عدم بازگشت مهاجرین به کشورمی گردد. مهمتر از این مسایل، جامعه جهانی را نسبت به افغانستان بد بین ساخته آنان را نیز از روند کمک به بازسازی دور خواهد ساخت. علت اصلی جنایات و درگیری های

اخیر درکشور، حضور تفنگ سالاران در مناصب و پست های کلیدی کشور است تنها راه حل این مساله برکناری احزاب و گروه های تنظیمی از صحنه قدرت نظامی و سیاسی درکشور می باشد.

امروز دیگر بر همگان ثابت شده است که دیگر جهاد وجود ندارد و باید جهادگران دیروز به این مهم برسند که استقامت و پافشاری اینان براریکه قدرت، غیر از تباهی و سیاهی آینده و تخریب چهره جهاد، عاید دیگری نصیب آنان و ملت نخواهد کرد. پس بهتر است که در يك اقدام شجاعانه و بدون عذر و بهانه، زمینه به قدرت رسیدن واقعی مردم را فراهم ساخته سران جهادی به نفع ملت از پست های حزبی و دولتی خود کنار بروند و احزاب قبلی را منحل نمایند.

اکنون که جامعه جهانی عزم جدی بر بازسازی افغانستان دارد، کاری نکنیم که این عزم به یاس و ناامیدی بدل شود. بیایید همانگونه که دست های خارجی در تخریب و چند پارچگی کشور نقش اساسی داشتند، امروز که می خواهند جبران کنند، زمینه را برای آنان فراهم نموده بهانه اختلافات درونی آنان در کشور خود نباشیم. ناامنی های موجود در افغانستان، در يك طرف قضیه به سران جهادی برمی گردد و در طرف دیگر به خارجی ها و بخصوص آمریکا! سران جهادی که هرکدام شان از خون فرزندان این مرز و بوم به میلیونها دالرسرمایه رسیده اند، امروز نمی توانند پست ها و مناصب قدرتی را به نفع مردم ترك کنند. کشورهای خارجی هم که تقصیر اصلی شروع ناامنی های کشور به آنان می رسد، نمی توانند با یکدیگر در تقسیم امتیازات کنار بیایند.

آمریکا با روسیه و اروپا مشکلات حل نشدنی دارد که ما ناخواسته هرکدام به نفع یکی از این ها وارد صحنه های امتیاز دهی های آنان شده خود و ملت خود را به سمت تباهی هدایت می کنیم. ما با ایجاد درگیری های کوچک داخلی و عدم ترك قدرت های دست داشته، باعث می شویم تا بهانه ناامنی در کشور را بدست بیگانگان داده آنان را از روند بازسازی به درگیری های جناحی و نظامی بکشانیم، که در این میان، فقط و فقط بیشترین آسیب را مردم و آینده کشور ما می بیند. برآستی اگر خارجی ها قصد و تصمیم جدی بر بازسازی دارند، باید در درجه اول از حمایت احزاب و نیروهای داخلی نظامی سیاسی دست برداشته جامعه مصیبت زده افغانستان را به سوی امنیت و صلح دائمی رهنمون باشند. شاید خارجی ها و در راس آنان آمریکا نمی خواهند صلح دائمی و امنیت کامل را به این زودی در افغانستان ببینند. زیر حمایت های بدون دلیل هر کدام آنان از جنگجویان داخلی و تفنگ سالاران محلی علت اصلی دامن زدن به ناامنی های اخیر در کشور بوده است.

بر همه ما کاملاً روشن و واضح است که بعد از سقوط "طالبان" و با ورود نیروهای بین المللی و آمریکا به افغانستان، احزاب سیاسی و تفنگ سالاران محلی جان دوباره گرفته، یکبار دیگر هم از لحاظ تسلیحاتی

و هم از جهت مالی تقویت شدند. که این تقصیر مهم، همچنان برعهده نیروهای خارجی است. زیرا اگر برخی از همسایگان و کشورهای ذی دخل در امور افغانستان، در زمان حضور "طالبان" و بیرون راندن تمام این ها از کشور، این ها را کمک نمی کردند، امروز شاهد رشد و جان گرفتن دوباره این ها به نفع برخی از خارجی ها و به ضرر مردم افغانستان نبودیم. بنابر این لازم است تا نیروهای بین المللی در افغانستان از خود جرات بیشتری نشان داده با نقض کننده گان حقوق بشر و تفنگ سالاران و سیاسیون نابخرد، برخورد قاطعانه و جدی نمایند. تا بدین وسیله برای مردم افغانستان ثابت شود که خارجی ها واقعا قصد بازسازی افغانستان را دارند. بی بند و باری های اجتماعی که به سرعت رو به افزایش است می تواند تا اندازه ای مفید باشد.

در هر صورت نه روش ایجاد و پیدایش زمینه های آزادی این است که آزادی خواهان پیش گرفته اند و نه روش و طریقی که تفنگ داران مد نظر دارد. باید به این نکته توجه داشت که ما امروز در کشور نیاز به يك تعادل عقلانی در حیطه های اجتماعی داریم. زیرا این افراط و تفریط ها را در دوره های شروع حکومت جهادی و طالبی به مشاهده گرفته ایم و دقیقا به این نتیجه رسیدیم که هر دو آنها به خطا رفتند و با شکست مواجه شدند.

امروز آنچه برای مردم ما می تواند اصل باشد توجه به منش های رفتاری نسل جوان است. نسلی که آینده مملکت را می سازد و چشم امید همه ما به آنهاست. اگر امروز بخواهیم با امر ونهی و یا بی بند و باری محض به سمت جوانان برویم، یقینا آینده فرزندان خود را در معرض خطر قرار داده ایم. امر ونهی کردن های بی مورد ما را از جوانان دور می سازد و بی بند و باری، آنان را از خودشان. پس لازم است تا در این امور اعتدال را پیش گرفته آنگونه عمل نماییم که بتوانیم سازندگان فردا را در پیشبرد اهداف سازندگی انسانی رهنمون باشیم. اما رهبران و قوماندانان و خودخواهان جهادی هنوز معتقدند که باید با زور به مردم مسایل خود را توجیه کنند.

همچنان ادامه خشونت علیه زنان، حوادث بیشمار تجاوز، تهدید و ازدواج اجباری توسط افراد مسلح، افزایش بی سابقه خود کشی و خود سوزی زنان، تهدید فامیل ها تا دختران خود را به مکتب نفرستند، سوزاندن مکاتب دخترانه، احساس ناامنی زنان در کار بیرون از خانه، ممنوعیت ظاهر شدن آواز خوانان زن در رادیو و تلویزیون، افزایش زنان و بیوه هایی که چاره ای جز گدایی و روی آوردن به فحشا ندارند. . . هم اکنون دهها هزار میل سلاح نزد گروپ های مسلح وجود دارد که عامل نا امنی در کشور هستند. اگر سلاح جمع اوری شده باشد، پس اینهمه زورگویی، درگیری، قتل و جنایت چگونه اتفاق می افتند. همین حالا تنظیم های حزب گلبدین، جمعیت ربانی، شورای نظار، اتحاد سیاف، وحدت اکبری،



وحدت خلیلی، حرکت های اسلامی و کاملاً مسلح بوده، والیان و قوماندانان امنیه تنظیمی هر يك دهها ميل سلاح در اختیار دارند.

دوام این حالت درکنار نارضایتی مردم نگرانی برخی سازمان های جهانی را نیز برانگیخته است. موضوع فساد در دستگاه حکومت به یکی از بحث های محوری مطبوعات غربی نیز تبدیل شده چنانچه در یکی از شماره های اخیر روزنامه واشنگتن پست در مطلبی از خرید و فروش پست های بلند دولتی در افغانستان خبر داده شده است. بسیاری افغان ها به این نتیجه رسیده اند که اگر جلو فساد گرفته نشود و اصلاحات لازم به وجود نیاید آنچه در سال های گذشته دولت و مردم به دست آورده اند به آسانی از دست خواهد رفت. سال گذشته شماری از سران جهادی که در گزارش سازمان جهانی نظارت بر حقوق بشر، متهم به نقض حقوق بشر شده بودند؛ در کابل گردهم آمدند و پیرامون گزارش اخیر سازمان نظارت بر حقوق بشر؛ به بحث و مشوره، پرداختند و دخالت شان در جنایات جنگی را رد کردند. آنان انتشار این گزارش را توطئه ای علیه مجاهدین توصیف و خواهان محاکمه تهیه کنندگان این گزارش شدند. در این نشست که شماری از سران جهادی و برخی نمایندگان مجلس حضور داشتند، بر تشکیل گردهمایی در اعتراض به گزارش سازمان متذکره تاکید شد. برهان الدین ربانی در رابطه با گزارش سازمان نظارت بر حقوق بشر گفت که باید علیه تهیه کنندگان این گزارش اقامه دعوا شود. وی با اشاره به اینکه در گزارش به حیثیت ملی افغانها تجاوز شده افزود: هر فردی از این دار و دسته و لانه جاسوسی آنها گزارش را تهیه کرده باید محاکمه شوند. (نه آدمکشان مسلح) این سازمان نه بر اساس احساسات اسلامی و یا دفاع از حقوق بشر بلکه بر اساس وظیفه اطلاعاتی دشمن علیه جنبش آزادی خواهی ملت ها فعالیت می کند. ربانی این گزارش را توطئه توصیف کرد و افزود: شماری از افراد داخلی و خارجی در تهیه گزارش یاد شده دخالت دارند.

همچنین رسول سیاف نیز گفت که این گزارش آسیبی به مجاهدین و مردم وارد نخواهد کرد بلکه باعث همبستگی بیشتر و وحدت میان آنها خواهد شد. چندی قبل دیدبان حقوق بشر در گزارشی اعلام کرده بود: اگر کرزی عدالت را حاکم نسازد، روند تحکیم امنیت در کشور شکست خواهد خورد. در گزارش تاکید شد که وقت آن است افرادی که درجنگ های داخلی و در وقوع جرایم جنگی دخالت داشتند به دادگاه احضار شوند. در گزارش دیدبان حقوق بشر از حکومت افغانستان انتقاد و گفته شد در عوض اینکه پایمال کنندگان حقوق بشر و مجرمان جنگی به دادگاه احضار شوند، آنان در دولت و پستهای کلیدی گماشته شدند. در گزارش از عبدالرسول سیاف، برهان الدین ربانی، قسیم فهیم، اسماعیل خان، عبدالرشید دوستم و کریم خلیلی نام برده شده است. براساس این گزارش، گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی، ملا محمد عمر، ملا

منصور و مولوی جلال‌الدین حقانی از "طالبان" و حزب اسلامی متهم به جنایت ضد بشری نیز می‌باشند. پس از انتشار این گزارش دولت افغانستان مطالب سازمان نظارت بر حقوق بشر را در مورد شماری از جهادی‌ها نادرست اعلام کرد. اما در سال‌های گذشته موسسات داخلی و جهانی حقوق بشر مکرراً گفتند که نا قضین بزرگ حقوق بشر در چوکی‌های رسمی افغانستان کار می‌کنند. اما تاکنون کسی مشخص نام فردی را یاد نکرده بود. مقامات افغانستان در پاسخ به این اتهامات همیشه گفته‌اند که این سخنان صرف اتهامات است و علیه این افراد اسناد و شواهد وجود ندارد. اما اخیراً رئیس بخش آسیا در سازمان حقوق بشر هیومن رایتس و اچ برات آدمس از افرادی که به گفته او عملاً به جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت متهم می‌باشند نام برد.

بسیاری از افغانها بر این باورند که گذشته‌های سوء این افراد باعث می‌شود که آنها برای احراز چنین مقامهایی مناسب نباشند. دزدی‌های گسترده شبانه در پایتخت و ولایات نیز امنیت اجتماعی خانواده‌ها را با تهدید جدی مواجه کرده است. به دلیل فقر امکانات اغلب نا امنی‌های اجتماعی در ولایات، پوشش رسانه‌ای داده نمی‌شود و شاید خیلی از رسانه‌های داخلی به دلیل زیر سوال نرفتن و تهدید نشدن به وسیله مقامهای امنیتی و دیگران حاضر به انجام چنین ریسکی نیستند. از اینرو کمتر شاهد جلوه اینگونه نا امنی‌ها در سطح رسانه‌ها هستیم. آمار و ارقام نیز وجود ندارد تا بتوانیم با مراجعه به آن، میزان جرایم ارتکاب یافته و در صد آن را در کشور تشخیص دهیم. وظیفه اصلی تامین امنیت در جامعه به عهده نیروهای امنیتی و محاکم کشور است که ضعیف عمل نمودن این دو نهاد در شرایط کنونی افزایش نا امنی‌های اجتماعی را به نحوه چشمگیر رقم زده است. علناً مشاهده می‌شود که منابع ملی ما توسط دزدان و سودجویان به تاراج می‌رود، میراث فرهنگی ما که هویت ملی ما را به جهانیان معرفی می‌کند از دل خاک بیرون کشیده شده یا از موزیم‌ها به غارت می‌روند و پس از انتقال به کشورهای همسایه سراز موزیم‌های شخصی جنرالان پاکستانی یا دیگر

کلکسیونرها اروپا و آمریکا در می‌آورد. ذخایر و معادن ما که برای دولتمردان نا مکشوف باقی مانده‌اند گاهی اوقات به وسیله دزدان و غارتگران شناسایی می‌شوند و آنان این منابع ارزشمند را استخراج نموده و در بازارهای خارج از کشور، به فروش می‌رسانند. کشور و مردم افغانستان بادر به این که اقتصاد ضعیفی دارند اندک بضاعت مالی ما چه در خانه و چه سرمایه‌های ملی اینگونه به غارت و تاراج می‌رود.

خلیلزاد می‌گوید- آمریکا در تقویت و پرورش بنیادگرایی اشتباه کرد، از همان آغاز مبارزه اش بعد از ۱۱ سپتامبر در برابر تروریسم جدی عمل نکرد. این کشور بیشتر د لنگرانی برای حضور در منطقه داشت

تا نابودی نطفه های تروریسم. از جانب دیگر امریکا میتواندست با کمک های اقتصادی موثر نه به دزدان در افغانستان و دلالات در پاکستان، بلکه به افراد مطمئن و پاک برای رشد اقتصادی، زمینه سربازگیری تروریستها و بنیاد گرایان را در کشور به حداقل برساند. روزنامه گاردین "سلاح هایی که ایالات متحده و بریتانیا به همراه متوذهای پیشرفته جنگی در اختیار بنیادگرایان قرار دادند به فاجعه در غرب ختم شد و براساس پدیده چرخش بر علیه کسانی مورد استفاده قرار گرفت که آن ها را تهیه دیده بودند. با آن که رسانه های گروهی آمریکا خود اعتراف می کنند که روی کار آمدن دولت جهادی و طالبی در افغانستان ناشی از کمک های پنهانی است که ایالات متحده به گروه های بنیادگرا کرده است. یکی دیگر از اشتباهات آمریکایی ها تاکید بیش از حد آنان بر روی عملیات های جنگی است.

از طرف دیگر سازمان نظارت بر حقوق بشر ملل متحد، با نشر اعلامیه ای برخی از رهبران و مقامات احزاب گذشته را بر نقض و هتک حقوق بشر و ارتکاب جرائم جنگی متهم کرده است. بدون شك در دوران جنگهای متوالی سه دهه گذشته هر دو گزینه (نقض حقوق بشر و جرائم جنگی) به صورت ناراحت کننده و تکان دهنده در سطح کشور صورت گرفت و اکثریت رهبرانی که مستقیم و یا غیر مستقیم در این جنایات دست داشتند، هم اکنون نیز در عرصه قدرت مطرح و دارای قدرت و نفوذی تأثیر گذار می باشند. برخی نیز مانند رهبران "طالبان" هنوز هم مصروف و سرگرم تداوم جنایات خویش علیه مردم بی دفاع افغانستان بوده و با ایدئولوژی خشک و افراطی خویش، عقیده باطل و فاسد خویش را در مورد قتل و کشتار مردم به پیش می برند. با این که سال ها از این وضعیت جدید می گذرد، هنوز هم دورنمای صلح و زندگی مسالمت آمیز چندان یقینی و امیدوارکننده نیست و شکنندگی اوضاع به حدی است که يك جرقه می تواند تمام فضای کشور را با شورش و آشوب مواجه سازد.

مؤلفه های آشتی ملی و انسجام ملی به شدت ضعیف و ناکارآمد است و حفظ ثبات بسیار دشوار، و زیرکی و هوشیاری کامل می خواهد. در این وضعیت دامن زدن به گذشته و گذاشتن انگشت آن هم بر عملکرد رهبرانی که تاندان مسلح اند، می تواند روند صلح و ثبات را در معرض مخاطره و تهدیدهای جدی قرار دهد که مسلماً به صلاح افغانستان نخواهد بود. با این که تأمین عدالت اجتماعی و رسیدگی به دوسیه های جنایی گذشته بسیار مهم می باشد، اما حفظ یکپارچگی و مراقبت از ثبات نسبی به وجود آمده به مراتب مهم تر و ضروری تر است، چرا که مصلحت و اهمیت ثبات و آرامش برای تداوم حیات کشور و عبور از مراحل لرزان و شکننده پس از بحران، امری ثابت شده و غیرقابل انکار است و اگر خدای نکرده این بار، گذشته های سه دهه قبل تکرار شود، قطعاً دیگر افغانستان نخواهد بود که بر سر محاکمه یا عدم محاکمه ناقضان حقوق بشر و متهمان ارتکاب جرائم جنگی مناقشه و گفت و گو شود.

تهیه کنندگان گزارش حقوق بشر از کشورهای عضو ناتو تقاضا کرده اند که برای تلفات غیرنظامی در جریان عملیات این نیروها در افغانستان خسارت بپردازند و عواملی را که منجر به کشته شدن غیرنظامیان شده، تحقیق و پیگیری کنند. این گزارش همچنین نسبت به آنچه که حضور گروه های مسلح غیرقانونی در افغانستان و سواستفاده از قدرت می خواند ابراز نگرانی کرده است. در حال حاضر نبود امنیت کافی، وضعیت بد حقوق بشر در قراوقصبات و مناطق دور افتاده افغانستان و نیز نبود سیستم حسابداری شفاف از میلیاردها دالر کمک شده به کشور، از نگرانی های اصلی در راه پیشرفت و انکشاف کشور به حساب می رود. مدیر بخش آسیایی دیدبان حقوق بشر می گوید: کابل و حامیان بین المللی آن تلاش های کمی برای برآورده کردن نیازمندی های اساسی مردم چون امنیت، برق، غذا، آب و صحت به خرج داده اند. آمریکا، اتحادیه اروپا و دیگران باید کمک های بیشتر اقتصادی، سیاسی و نظامی را برای تامین حقوق بشر در افغانستان انجام دهند. وی با انتقاد از وضعیت امنیتی می گوید که هم اکنون شمار زیادی از افغانها از بیم نا امنی نمی توانند کودکان خود را به مکتب بفرستند.

حقوق بشر در بخش دیگری به آنچه مشکل حضور نیرومند جنگسالاران و گروه های مسلح غیرقانونی در افغانستان می خواند اشاره کرده و هشدار داده که این گروه ها، مشکل یکسان با گروه های تروریستی را برای مردم افغانستان فراهم کرده اند. در گزارش گفته شده، هر دو "طالبان" و جنگسالاران با افغانها بدرفتاری می کنند. نا امنی تنها در جنوب افغانستان وجود ندارد بلکه این مشکل فراگیر برای همه ای افغانها در سراسر کشور و برای ولایاتی است که از مناطق نا امن جنوب و شرق فاصله دارند. این سازمان از دولت تقاضا کرده که برای تحکیم حاکمیت قانون و تامین عدالت در این کشور تلاش کند و بکوشد یک سیستم شفاف حسابداری ایجاد شود.

افغانستان بار دیگر در لبه پرتگاه قرار گرفت و به مکان امنی برای ناقضین حقوق بشر، جانپان و افراطیون مسلح مبدل شد. اکثریت این ناقضین در گذشته نه چندان دور نیز باعث اذیت و آزار افغانان و بخصوص زنان و دختران و بی ثباتی کشور، منطقه و جهان شده بودند. موجودیت خلاء قدرت در بسا نقاط کشور زمینه بهره برداری را برای "طالبان"، ملیشاهای قومی و جنگسالاران محلی فراهم آورد. این گروهها بشکل روزافزونی دست به خرابکاری و ترور افراد عام زده و با حمله بر -اهداف آسان- مانند مکاتب و معلمین و چهره ها مذهبی، وحشت را در میان مردم عوام ایجاد نمودند.

نخایر و معادن ما که برای دولتمردان نا مکشوف باقی مانده اند به وسیله دزدان و غارتگران شناسایی می شوند و آنان این منابع ارزشمند را استخراج نموده و در بازارهای خارج از کشور، به فروش می رسانند. کشور و مردم افغانستان با توجه به این که اقتصاد ضعیفی دارند اندک بضاعت مالی ما چه در خانه و چه

سرمایه های ملی اینگونه به غارت و تاراج می رود. تبدیل جنگ سالاران به کارمندان دولت. کرزی گفته بود: دوران جنگ سالاری به پایان رسیده است.

اما با وجود اعلام کرزی، جنگ سالاران هنوز جزو قدرتمندترین نیروهای کشور به شمار می روند. شماری از آنها در شهر و شهرک های افغانستان سنگر گرفته اند، مهمات جمع آوری می کنند، به قاچاق تریاک می پردازند و به نیروهای پولیس ضربه می زنند. آنهایی هم که در کابل حضور دارند می توانند به راحتی نظامیان خود را از نو به خدمت فراخوانند. چندی پیش برنامه توسعه سازمان ملل متحد که پروژه ای را با هدف خلاصی کشور از شر جنگ سالاران و نظامیان غیرقانونی پیش می برد، اعلام کرد که حداقل پنجصد عضو دولت کرزی مستقیماً با گروه های نظامی غیرقانونی ارتباط دارند. یوناما این نگرانی را مطرح کرد که ادامه فساد در حکومت به کاهش حاکمیت دولت مرکزی منجر خواهد شد. اگرچه افغانستان در یک مرحله گذار قرار دارد ولی ممکن نیست از کنار مسایل مهمی چون فساد، مواد مخدر و اداره ضعیف به آسانی گذشت. وجود فساد اداری در دستگاه حکومت از آن دسته انتقادهای است که پس از "طالبان"، کرزی همواره با آن مواجه بوده است؛ آنچه که حکومت کرزی از نخستین روزهای تشکیل متعهد به مبارزه با آن شده بود. ولی در حال حاضر این مشکل به جای کاهش، رو به افزایش نهاده است.

نقض حقوق بشر، فقر و نا امنی بشکل قابل توجهی با افزایش فاصله از مراکز ولایات افزایش میابد. برخورد های مسلحانه و نا امنی پیشرفت های اقتصادی را در اکثر نواحی افغانستان که یکی از عقب مانده ترین کشورهای جهان است، با مشکلات جدی و حتی با عقبگرد مواجه ساخته است. بازسازی بالخصوص در جنوب آسیب دیده و این نقیضه بیشتر بر خشم مردم افزوده است.

از سویی دیگر منطقی و مطلوب است که برای ترویج و نهادینه ساختن حساب گیری از دوره مسئولیت کسانی که مسئول بوده و هستند، به تدریج گام برداشته شود و نیز اقدامات مؤثر و حساب شده در دفاع و حفظ حقوق بشر و رسیدگی به جنایات سازمان یافته و پراکنده با حفظ مصالح و منافع آینده و فعلی کشور صورت بگیرد. بنابراین تثبیت و تحقیق و جمع آوری مدارک و اسناد در مورد جنایات انجام شده، در مسئولیت نهادهای مربوطه داخلی است و آن ها مسئولیت دارند تا به این خاطر که بتوانیم در آینده زمینه های تخطی از حقوق بشر را از بین ببریم تحقیقات خود را به صورت کامل و جامع به قوه قضاییه کشور ارائه کنند تا در آینده مورد استفاده قرار بگیرد ولی فراموش نکنیم که به انگیزه های تبلیغاتی و سیاسی و استفاده ابزارگونه از این مورد به ضرر صلح و ثبات در کشور است و آب آن فقط در آسیاب دشمنان افغانستان خواهد رفت نه مردم افغانستان و قربانیان جنایات.